



پژوهش و نگارش : فاتح سامع

24/04/2022

## سازمان ملل متحد درگیر چالش‌ها در حل مسایل جهان

شورای امنیت نهاد اصلی مدیریت بحران سازمان ملل است. این نهاد صلاحیت دارد که تعهدات الزام آور را برای حفظ صلح بر کشورهای عضو سازمان ملل تحمیل کند. پنج عضو دائمی و ده عضو منتخب شورا برای ارزیابی تهدیدات امنیت بین‌المللی از جمله جنگ‌های داخلی، آفات طبیعی، تکثیر تسلیحات و تروریسم جلسات را به طور منظم و عندالموقع دایر می‌کنند.

هدف شورای امنیت حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین‌المللی مطابق با فصل ششم منشور سازمان ملل متحد است که به شورا اجازه می‌دهد تا از طرفین درگیر بخواهد تا راه حل‌های را از طریق مذاکره، دیپلماسی، داوری یا سایر روش‌های صلح آمیز جستجو نمایند.

در صورت عدم موفقیت، فصل هفتم منشور سازمان ملل به شورای امنیت این اختیار را می‌دهد که اقدامات قاطعانه تری مانند اعمال تحریم‌ها یا اجازه و اعمال استفاده از زور برای حفظ یا بازگرداندن صلح و امنیت بین‌المللی انجام دهد. «ماموریت‌های حفظ صلح بارزترین چهره کار مدیریت منازعه سازمان ملل است. اما در بسا مواقع این ماموریت‌ها به شکست‌ها، چالش‌ها و نابودی نیروهای صلح انجامیده است(1).

بسیاری از منتقدان ادعا می‌کنند که ساختار شورا منعکس‌کننده واقعیت‌های ژئوپلیتیک فعلی در جهان نیست. این شورا از شش عضو منتخب به ده عضو در سال 1995 افزایش یافت. از آن زمان تاکنون، ترکیب بدنه آن بدون تغییر باقی مانده است. منتقدان دیگر عبارتند از طرفداران مسئولیت حفاظت، که می‌گویند ویتو به منافع سیاسی پنج عضو دائم سازمان ملل احترام می‌گذارد و منجر به انفعال در برابر جنایات گسترده می‌شود.

چشم‌انداز اصلاحات: از اوایل دهه 1990، اعضای دائمی شورای امنیت به طور ضمنی موافقت کردند که فقط شورای امنیت اجازه استفاده از نیروهای مسلح را بدهد. شورای

امنیت در برخی مواقع به دلیل ویتوی یک یا چند پنج عضو دائمی، اقدامی نمی کند. اجلاس جهانی سال 2005 هنجار نوظهور مسئولیت را وانمود کرد که مجمع عمومی می تواند جایگزین برای شورای امنیت باشد تا در رفع تشدید خصومت های بین الملل و موضوعاتی مانند جنگ داخلی سوریه، درگیری در دریای چین جنوبی و اوکراین و امثالهم اقدام مقتضی نمایند (7).

**مشکلات عمده اصلاحات:** ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی هر دو عضویت سازمان ملل متحد را بدون حق ویتو نمی پذیرفتند. اما حق ویتو همیشه در میان کشورهای کوچک و قدرت های متوسط بحث برانگیز بوده است. از آنجایی که شورای امنیت کمتر از هشت درصد از کل اعضای سازمان ملل را تشکیل می دهد، ترکیب آن به وضوح منسوخ شده است و بحث در مورد «نماینده عادلانه» یک موضوع اصلاحی اساسی است. مدت هاست شکایت هایی درباره روش های کاری شورا وجود دارد. اکثریت ویتوها برای جلوگیری از اقدام لازم در مورد بسیاری از مسائل صلح و امنیت استفاده شده است. اکثریت ویتوهای امریکا بر قطعنامه های مربوط به درگیری اعراب، اسرائیل و فلسطین در دفاع از اسرائیل اعمال شده است (6). جنگ سرد اقدامات شورای امنیت در مورد تهدیدات صلح و امنیت را به شدت مشکل ساز کرده و منجر به برخی درگیری ها شده است، مانند جنگ های فرانسه و ایالات متحده در ویتنام و مداخله شوروی در چکسلواکی و هنگری، که اصلاً به سازمان ملل ارائه نشد (2).

همچنین سازمان ملل حمله به عراق را در سال 2003 به بهانه ای موجودیت " سلاح های کشتار جمعی " تایید نکرد. از زمره پنج عضو دائمی، تنها بریتانیا از درخواست ایالات متحده برای مداخله سازمان ملل در عراق حمایت کرد و همچنین در تهاجم شرکت نمود. چین، فرانسه و روسیه با هر اقدامی مخالفت کردند و حتی ناتو از پیوستن به هدایت امریکا از شرکت در تهاجم نظامی عراق خودداری نمود. این اقدام موجب انشعاب جامعه بین المللی، تضعیف سازمان ملل به عنوان نیرویی برای صلح بین المللی و محکومیت سیاست غرب در خاورمیانه در خارج از کشور شد. (3). جنگ علیه تروریسم در افغانستان شورای امنیت سازمان ملل را به عنوان یک نهاد شکست خورده نشان می دهد. هنوز بحث های شدیدی در داخل و خارج سازمان ملل درباره قدرت، اختیار و مشروعیت شورای امنیت وجود دارد. بدیهی است که منشور به شورا قدرت رسمی زیادی می بخشد. همچنین به آن «اقتدار اولیه در نظام بین الملل بر مسائل صلح و امنیت داخلی» را می دهد. با این حال، با توجه به تضاد بین تعهد بین المللی و حاکمیت دولت، به ویژه این فرضیه سنتی که تعهدات داخلی فقط با رضایت دولت ها الزام آور است، استفاده از این اختیار را مشکل ساز ساخته است (4). بنابراین، وقتی شورای امنیت برای تصمیم گیری تقسیم می شود، نتیجه ثابت و پیامد در حل و فصل قضای منفی است.

افزایش فعالیت شورای امنیت از سال 1990 باعث شده است که بسیاری از اعضای سازمان ملل به شدت برای اصلاح عضویت در شورا تلاش کنند تا مسایل جهان قرن

بیست و یکم نه جهان 1945 را بهتر بازتاب بدهد (5). با وجود رشد فعالیت‌های سازمان ملل، سوالاتی در مورد ارتباط و اثربخشی آن وجود دارد. ناکامی ایالات متحده و بریتانیا در دریافت مجوز شفاف شورای امنیت سازمان ملل برای جنگ در عراق در سال 2003 منجر به انتقاد عمومی از سازمان ملل و بحران در روابط بین‌الملل شد (2). در مجموع، جنگ علیه تروریسم به سختی طبق برنامه پیش رفته است. پیامد حضور امریکا دقیقاً برعکس آنچه در نظر گرفته شده بود بار آورد. عراق به جای تبدیل شدن به «پوستر نوزاد دموکراسی» به بستری مطلوب برای پرورش تروریست‌ها تبدیل شده است (2). در افغانستان مشکل تمام نشد و یک گروه تروریستی و ناقضین حقوق بشر، سفاک و بی‌خبر از ابتدای ترین ارزش‌های انسانی و فاقد دید گاه جهانی پس از بیست سال اشغال و ویرانی کامل کشور به قدرت رسانیده شد. بنابراین، با توجه به تحلیل فوق، من با زید حسین، رئیس سابق حقوق بشر سازمان ملل متحد موافق هستم که هشدار داده است که بدون تغییر نهادی و اساسی، سازمان ملل ممکن است سقوط کند و به سرنوشت جامعه ملل قبل از جنگ دوم جهانی بیانجامد.

## References

1. Council of Foreign Relations (2021) *The UN Security Council*, accessed 16 April 2022. <https://www.cfr.org/background/un-security-council>
2. Baylis J, Owens P and Smith S (2017) *The Globalisation of World Politics: An introduction to International Relations*, 7<sup>th</sup> edn, Oxford University Press, UK. Pp. 116-119, 126-126, 332-336, 529-530.
3. Jackson R J (2013) *Global politics in the 21<sup>st</sup> Century*, 1<sup>st</sup> edn, Cambridge University Press, USA. Pp 170-72.
4. Hurd I (2007) *After Anarchy: Legitimacy and power in the United Nations Security Council*, Princeton, Princeton University Press.
5. Luck E (2018) *Principal Organs: In the Oxford handbook on the United Nations*, Oxford University Press, UK. Pp. 653-674.
6. Best A, Hanhimaki J, Maiolo J A and Schulze KE (2008) *International History of the Twentieth Century and Beyond*, Routledge, USA. pp. 528-30, 538-539.
7. Karns MP, Mingest K A and Stiles KW (2015) *International Organisations: The politics & progresses of Global Governance*, 3<sup>rd</sup> edn, Lynne Rienner Publishers, USA. pp. 109-30, 148-51.

